

## کارخانه‌های بحران زده در حقوق ایران با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا و فرانسه

شاهرخ صیادیان<sup>۱</sup>، محمد صقری<sup>۲</sup>، فرید محسنی<sup>۳</sup>

### چکیده:

**زمینه و هدف:** با تصویب قانون تجارت سال ۱۳۱۱، آیین اسعار تجارتي دوران مشروطیت حذف گردید و با انحلال دادگاه تجارتي، صرفاً این ورشکستگی به صرف عدم تادیه دین در سررسید حاکم گردید. از طرفی، انعقاد دیر هنگام قرارداد ارفاقی به دلیل فقدان جنبه پیشگیرانه نسبت به حکم ورشکستگی، عملاً موفق به جلوگیری از تصفیه اموال تاجر متوقف نگردید. حاکمیت قانون تصفیه و توجه به منافع بستانکاران نیز موجب نادیده گرفتن سایر مولفه‌ها از جمله حفظ کارخانه و اشتغال کارگران و حقوق مالکیتی مدیون شد.

**روش شناسی:** روش تحقیق، تطبیقی-تحلیلی و روش جمع‌آوری داده‌ها، بررسی اسنادی است. روش تحلیل داده‌ها، رویکرد توصیفی-تحلیلی است.

**یافته‌ها و نتایج:** در مقررات فراورشکستگی، تلاش‌هایی برای حفظ کارخانه و بیان اختلاف میان توقف ورشکستگی انجام گرفته است، لیکن به دلایل ناکافی بودن و عدم تجانس با مقررات قانون تجارت توفیقی چندان جهت احیای کارخانجات بحران زده به دست نیاورد. بررسی روند حاکم بر مقررات مذکور و مقایسه با نهاد بازسازی، موید ضرورت تحول فلسفه حقوق ورشکستگی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** حقوق ورشکستگی، بازسازی، توقف، اداره موقت، قرارداد ارفاقی.

\* استناددهی (APA): صیادیان، شاهرخ؛ صقری، محمد و محسنی، فرید (۱۴۰۰). کارخانه‌های بحران زده در حقوق ایران با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا و فرانسه. تحقیقات حقوقی آزاد. ۱۴(۵۱): ۱۷-۱. قابل بازیابی از: [http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_684586.html?lang=fa](http://alr.iauctb.ac.ir/article_684586.html?lang=fa)

\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: shahrokh\_sayadian@yahoo.com

\*\* استادیار دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: Drmsaghri@yahoo.com

\*\*\* دانشیار دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران. رایانامه: faridmohseni@gmail.com



## مقدمه

در دوره مشروطیت، دو آیین اعسار تجاری و ورشکستگی برای تجار وضع شده بود. پس از تصویب قانون تجارت و با حذف دادگاه تجاری به نفس عدم پرداخت دین در سررسید، صرفاً آیین ورشکستگی در نظر گرفته شد. انعقاد قرارداد ارفاقی نیز به جهت عدم قابلیت پیشگیرانه در اکثر موارد نتوانست از تصفیه اموال تاجر جلوگیری نماید. هیات غرمایی که بستانکاران را تحت ضوابط یکسانی قرار می‌دهد و بیشتر به پرداخت مطالبات بستانکاران عادی می‌پردازد، به دلیل حق تفویضی قانونی، عملاً می‌تواند قرارداد ارفاقی را منعقد ننماید. این در حالی است که شاید کارخانه در صورت عدم مداخله قانونی آنان می‌توانست احیا گردد. عدم نظرخواهی از کارگران و کارکنان کارخانه بحران‌زده در انعقاد قرارداد ارفاقی بر دامنه این وضعیت نامطلوب می‌افزاید. از طرف دیگر، مقررات تصفیه هم که برای حذف بنگاه‌های غیر قابل نجات تخصیص یافت، صرفاً متمرکز بر دارایی‌های بدهکار است و همانند کارگران به شخص تاجر نیز توجه ندارد. در حالی که اخلاق اسلامی حکم می‌نماید به حکم قاعده نفی ضرر که حکمت تشریح آن نظیر قاعده رفع عسر و حرج بوده است، تسهیل امر نیز صورت گیرد، توجه بی‌اندازه به منافع بستانکاران و عدم توجه به نجات کارخانه و وضعیت اشتغال کارگران برخلاف آن است. به مقتضای قاعده مذکور، هر حکمی اعم از تکلیفی و وضعی که موجب ضرر شخصی یا نوعی باشد، آن حکم منفی است. مفهوم توقف در قانون تجارت پیرامون مفهوم اشخاص، اموال آنها و بدهی‌هایشان متمرکز شده و سهمی ناچیز به کارخانه و کارگران و حقوق مالک اختصاص یافته است. حدیث نبوی «لا یحل مال امری الا بطیب نفسه» به دلالت اینکه هیچ کس نمی‌تواند در ملک دیگری بدون اذن صاحبش تصرف نماید، مانع از این است که در صدور حکم ورشکستگی بدهکار، وضعیت اقتصادی کارخانه و چگونگی ادامه فعالیت آن در نظر گرفته نشود. رویه قضایی در ایران با تفسیر مواد قانونی مربوط به توقف، علاوه بر دیون پرداخت نشده در سررسید، احراز کسر دارایی بر بدهی تاجر را باب نمود. این ابتکار عمل موجب افزایش مشکلاتی بیشتر در حوزه ورشکستگی گردید، از جمله اینکه با اتخاذ این روش، صدور حکم ورشکستگی به تعویق افتاد. در عمل، از دوره عدم پرداخت مطالبات تا صدور حکم ورشکستگی، تحت دوره فترتی حاصل گردید که موجبات تحقق نهاد بازسازی، با التزام به قاعده سلب استطاعت ظاهری را فراهم ساخت. مطابق این مقررات، چنانچه مطالبات سررسید شده با دارایی جاری قابل پرداخت نباشد، بازسازی آغاز می‌شود و مفهوم توقف پرداخت با امکانات مالی بالفعل سنجیده می‌شود. احیای بنگاه قبل از برچیده شدن، اصلاح مدیریتی کارخانه از جهات اشتغال، تکمیل، کوچک‌سازی، واگذاری به غیر، امکان ارائه طرح توسط مدیران مالک با اولویت نسبت به دیگری از جمله مزیت‌های مقررات بازسازی می‌باشند. قانونگذار در جنب قانون تجارت برخی از نهادهای فراورشکستگی را با اتخاذ جنبه‌هایی ناقص از

مقررات بازسازی وضع نمود که به دلیل عدم تطابق با مقررات ق.ت. عملاً فاقد کارآیی در احیای کارخانجات بوده است.

### ۱. حفظ کارخانه در مقررات ورشکستگی

با انحلال دادگاه‌های تجارتهی دوره مشروطیت و حاکمیت بلامنازع ق.ت. در صورت عدم پرداخت دیون در سررسید، آیین ورشکستگی در مورد تاجر اجرا می‌گردد. پیش‌بینی تاسیس حقوقی قرارداد ارفاقی نیز توفیق چندانی در جلوگیری از تصفیه اموال تاجر ایجاد ننمود. گفتنی است اختیار طلبکاران غرامایی در تحقق قرارداد ارفاقی از جمله مواردی است که از احیا و بازسازی کارخانه ممانعت به عمل می‌آورد. تکامل و بلوغ قانون تجارت در کشورهای دیگر و فرتوت و غیرپاسخگو بودن این قانون در ایران، تحول آن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

#### ۱-۱. حفظ کارخانه همراه با قرارداد ارفاقی

انعقاد قرارداد ارفاقی به منظور جلوگیری از تصفیه اموال تاجر پس از صدور حکم ورشکستگی است. هدف از آن توافق بین تاجر مدیون و طلبکاران است که در صورت پرداخت دیون در سررسیدهای معین، تاجر امکان ادامه فعالیت را داشته باشد. در حقوق ایالات متحده آمریکا در این خصوص اظهار شده است: «یک قرارداد ارفاقی توافقی بین یک بدهکار و جمعی از طلبکاران برای بازپرداخت بدهی است. این آیین‌ها امروزه به عنوان آیین‌های بازسازی شناخته شده در فصول ۱۱ و ۱۳ قانون تجارت ایالات متحده آمریکا، قابل شناسایی هستند» (بخبندر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴: ۱۱). در خصوص وضعیت تاجر ورشکسته، یکی از اساتید اظهار می‌دارند: «اداره بهینه دارایی ورشکسته بازدهی دو گام نهایی مدیریت بحران، یعنی عقد قرارداد ارفاقی یا فروش و تقسیم اموال را افزایش می‌دهد. بدیهی است که این دو گام در طول یکدیگرند و وقتی نوبت به فروش و تقسیم اموال می‌رسد که انعقاد قرارداد ارفاقی، قانوناً ناممکن باشد و یا توافق بر سر آن حاصل نگردد» (کاویانی، ۱۳۹۳: ۹۴).

#### ۱-۱-۱. قرارداد ارفاقی و ضعف مقررات حاکم

قرارداد ارفاقی در حقوق ایران بین تاجر ورشکسته و طلبکاران او پس از انعقاد مجمع عمومی موضوع ماده ۴۷۶ قانون تجارت منعقد می‌شود و مطابق ماده ۴۸۰ همان قانون صرفاً در صورت شرکت لااقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکاران با داشتن حداقل سه ربع از کلیه مطالباتی که تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته، منعقد می‌شود.

<sup>۱</sup>. Buchbinder

### ۱-۱-۱-۱. ایرادات وارد بر نصاب انعقاد قرارداد

تبصره ج ماده ۱۱۲۶ قانون آمریکا راجع به تصویب طرح بازسازی مقرر می‌دارد که طرح در صورتی مورد قبول گروهی از طلبکاران قرار می‌گیرد که به تصویب بیش از نصف بستانکاران یک طبقه که دو سوم مطالبات مربوطه را دارند، برسد. در لایحه اصلاحی قانون تجارت سال ۱۳۸۴ نیز کمیته‌ای از بستانکاران با نصاب فوق می‌توانند رای به ادامه فعالیت بنگاه دهند. مبنای نصاب یاد شده اخیر برگرفته از ماده ۱۱۲۶ قانون تجارت آمریکا است. در حقوق فرانسه طرح بازسازی توسط اشخاص یا مدیر بازسازی تهیه و ارائه می‌شود. لیکن، در اصلاحات سال ۱۹۸۵ اهداف آن چنین اعلام شده است: «۱- حفظ بنگاه ۲- حفظ فعالیت و اشتغال ۳- پرداخت مطالبات. قانون جدید اصولاً منافع بستانکاران را با برهم زدن هیات غرمایی و سلب حق رای آنان در مجلس قرارداد ارفاقی قربانی کرده در حالی که آیین‌های جمعی همواره برای حفظ منافع آنها برقرار گردیده است.» (صقری، ۱۳۹۶: ۵۶۷).

گفتنی است قانون تجارت فرانسه به منظور تحقق اهداف مزبور به جهت حفظ بنگاه و اشتغال کارکنان، اختیارات بستانکاران را جهت موافقت با ادامه فعالیت و بازسازی حذف نموده است. ضمناً در آیین بازسازی به منظور حمایت از تجار، ادامه فعالیت و تامین اشتغال و پرداخت بدهی زیر نظر دادگاه تجاری انجام می‌شود؛ اما تصویب طرح بازسازی در حقوق آمریکا با نصابی اصلاح (نصف به علاوه یک و دو سوم مطالبات) نسبت به نصاب انعطاف‌ناپذیر کنونی قرارداد ارفاقی در حقوق ایران (نصف به علاوه یک و سه چهارم مطالبات) برقرار است. به نظر می‌رسد از آنجایی که مطابق قانون تجارت، امکان انعقاد قرارداد ارفاقی پس از صدور حکم ورشکستگی میسر است، با پیش‌بینی نصاب مقرر در ماده ۴۸۰ قانون تجارت عملاً در موارد نادری اکثریت مزبور حاصل شود؛ خصوصاً اینکه تعیین دقیق زمان توقف و صدور به موقع حکم ورشکستگی در حصول انعقاد قرارداد مزبور تاثیر مستقیم دارد. صدور دیر هنگام حکم ورشکستگی، حتی اگر منتهی به انعقاد قرارداد ارفاقی شود، به دلیل فقدان دارایی لازم جهت ادامه فعالیت، تاسیس نهاد مزبور را عبث و فاقد کارایی می‌سازد.

### ۱-۱-۱-۲. وضعیت طلبکاران دارای وثیقه

با توجه به مواد ۵۱۴ قانون تجارت و ۳۲ قانون تصفیه امور ورشکستگی طلبکاران دارای وثیقه در صورت غرقا قید می‌شوند. در مورد پرداخت سهم اقلیت مخالف قرارداد ارفاقی اظهار شده است: «این بستانکاران مجازند با صرف نظر کردن از وثیقه یا به تاخیر انداختن اجرای آن، پذیرای ارفاقات قرارداد باشند، و یا راه مخالف آن را بپیمایند.» (همان: ۳۵۷).

اداره حقوقی دادگستری در نظریه شماره ۳۵۱۱/۷ مورخ ۱۳۶۶/۷/۵ اشعار می‌دارد: «.... و اگر

تمامی طلب صاحب وثیقه از محل وثیقه پرداخت نشده باشد، از بابت بقیه از سهم غرمایی برخوردار می‌شود. و از این جهت، ماده ۵۸ ق.ت.ا.و ناسخ ماده ۳۴ قانون ثبت می‌باشد.»

همچنین، در خصوص امکان اعطا حق رای به طلبکاران دارای وثیقه اظهار شده است: «... زیرا اگر طلبکاران دارای وثیقه نیز برای محاسبه نصاب سه چهارم از مطالبات، مورد نظر قرار گیرد، انعقاد قرارداد دشوارتر می‌شود، زیرا اصولاً طلبکاران دارای وثیقه انگیزه‌ای برای شرکت در قرارداد ارفاقی و دادن رای مثبت ندارند؛ چرا که در هر حال طلب خویش را از محل مال مرهونه وصول می‌کنند (کاویانی، ۱۳۹۳: ۹۶).

در این زمینه، با توجه به قانونگذاری قبل از سال ۱۹۸۵ در فرانسه اظهار می‌دارند: «... قرارداد ارفاقی نسبت به کلیه طلبکاران داخل در هیات طلبکاران لازم‌الاجرا است، نه فقط نسبت به طلبکارانی که آن را امضا کرده‌اند؛ حتی طلبکارانی که طلب آنها تشخیص نشده بود، از این قاعده مستثنی نبودند. تنها طلبکارانی مشمول این قاعده نمی‌شدند که دارای وثیقه بودند و به دعوت مدیر تصفیه مبنی بر انعقاد قرارداد ارفاقی با تاجر ورشکسته پاسخ منفی داده بودند» (اسکینی، ۱۳۸۳: ۱۵۶). همین نویسنده در خصوص طلبکاران ماده ۴۸۰ ق.ت.ا. اظهار می‌دارد: «منظور از طلبکاران، کلیه طلبکاران اعم از دارای وثیقه، دارای حق رجحان یا طلبکار عادی است.» (اسکینی، ۱۳۸۳: ۱۵۱).

برخی دیگر راجع به طلبکاران با وثیقه اظهار داشتند: «از ایرادات وارد بر نظام‌های مبتنی بر رویکرد عدم شمول قاعده تعلیق یا توقف تعقیب بر مطالبات با وثیقه، کاهش امکان موفقیت نهاد بازسازی یا قرارداد ارفاقی است. ایراد مطرح شده در حقوق ورشکستگی ایران قابلیت طرح ندارد، بدین دلیل که حتی با فرض پذیرش احتساب طلبکار با وثیقه در قرارداد ارفاقی، تاثیر چندانی در موفقیت قرارداد ارفاقی ندارد؛ زیرا وی می‌تواند قرارداد ارفاقی را نپذیرد و وثیقه را به اجرا گذارد، حتی به دلیل عدم تمایل طلبکاران با وثیقه در ارفاق ممکن است احتساب آنان در اکثریت منجر به عدم انعقاد قرارداد شود.» (عیسایی تفرشی، شهبازی‌نیا و رضانی آکردی، ۱۳۹۴: ۷۰).

ماده ۹۰۳ لایحه سال ۱۳۸۴ انعقاد قرارداد ارفاقی را با حضور حداقل نصف به علاوه یک از شمار بستانکاران که دوسوم مطالبات بدون وثیقه را دارا باشند، ممکن می‌داند.

### ۱-۲- آثار ناهماهنگ قرارداد ارفاقی با بنگاهداری

انعقاد قرارداد ارفاقی در صورت توقف از پرداخت دین در سررسید مطابق نص صریح صدر ماده ۴۱۲ و منطوق ماده ۴۱۳ قانون تجارت، چنانچه به موقع منتهی به صدور حکم ورشکستگی گردد، ممکن است در عمل با موفقیت مواجه شود؛ ولی در صورت عجز تاجر از تادیه دیون و عدم وجود امکانات مالی بالقوه اساساً انعقاد قرارداد ارفاقی موضوعیت پیدا نمی‌نماید. در وضعیت اخیر، موضوع ورشکستگی و افلاس قابل انطباق است، اما در فرض توقف از پرداخت بدهی و انعقاد

قرارداد ارفاقی به دلیل ناچیز بودن دارایی‌های تاجر، پرداخت سهم طلبکاران مخالف با مشکل مواجه می‌شود. در این مورد اظهار شده است: «در صورتی که سهم بستانکاران غایب و مخالف قرارداد ارفاقی تامین و پرداخت نشده باشد، بنگاه به طور قطعی تحویل مدیران آن نمی‌گردد... مشکل پرداخت سهم بستانکاران غایب و مخالف قرارداد ارفاقی، نقص ساختاری قواعد راجع به انعقاد و اجرای قرارداد ارفاقی قانون دیرپای تجارت را می‌رساند. امروزه، دیگر همانند نحوه اخذ تصمیمات در مجامع عمومی شرکت‌ها، قانون اکثریت حاکمیت دارد و اقلیت می‌باید یا به تصمیم اکثریت تسلیم شود و یا طلب خود را در این مرحله مطالبه نکرده و به بعد موکول سازد» (صقری، ۱۳۹۶: ۳۵۳-۳۵۱).

به نظر می‌رسد لزوم پرداخت سریع مطالبات بستانکاران اقلیت مربوط به دوران قانون ناپلئون بوده و در دوره وضع قانون مزبور، انعقاد قرارداد ارفاقی از جمله حقوق طلبکاران بوده است. ملاک انعقاد قرارداد ارفاقی بر اساس چگونگی و میزان تقصیر تاجر محسوب می‌شد و وضعیت اقتصادی بنگاه به نحو مستقل بررسی نمی‌گردید، بلکه صدور حکم ورشکستگی تابع میزان تقصیرات تاجر بود. چه بسا تاجر مقصری که وضعیت بنگاه آنان قابل احیا بوده است، اکنون در حقوق فرانسه نه فقط قرارداد ارفاقی حذف گردیده است، بلکه اقساط مطالبات توسط دادگاه تجارتي قسط‌بندی و به بستانکاران تحمیل می‌شود. مستند به ماده ۶۵ قانون تجارت فرانسه، دادگاه تجارتي پس از تصویب طرح، ابرائات و اقساط مورد پذیرش بستانکاران را تنفیذ می‌نماید و جهت طلبکاران دیگر، مهلت‌های یکنواخت پرداخت در نظر می‌گیرد. در حقوق آمریکا، با برقراری نصاب نصف به علاوه یک و دو سوم مطالبات برای پذیرش طرح موضوع ماده ۱۱۲۶ ق.ت، حقوق کلیه طلبکاران اعم از موافق و مخالف طرح باید پرداخت گردد. با لحاظ قانون اکثریت حاکم در مجامع شرکت‌های تجاری، طلبکاران عمده و طلبکاران اقلیت ملزم به تبعیت از قبول اقساط تعیین شده از جانب دادگاه می‌باشند.

در نتیجه، می‌توان گفت در حقوق ایران پرداخت سهام اقلیت و مخالف، مطابق ماده ۴۸۹ قانون تجارت با هدف اصلی قرارداد ارفاقی که ادامه اشتغال و فعالیت کارخانه است، منافات دارد.

## ۱-۲. واگذاری مضر کارخانه به بالاترین پیشنهاد در مزایده

اگر تاجر نتواند از طریق انعقاد قرارداد ارفاقی، مجدداً فعالیت بنگاه یا کارخانه را از سر بگیرد، چاره‌ای جز فروش اموال و دارایی‌های تاجر توسط مدیر تصفیه، به بالاترین مبلغ و کمترین هزینه وجود ندارد. مواد ۴۵۷ و ۵۱۰ قانون تجارت به موضوع فروش اموال تاجر ورشکسته از جمله غیرمنقول مانند کارخانه بر اساس مزایده اشاره دارد. ماده ۴۴ قانون تصفیه امور ورشکستگی در این خصوص مقرر می‌دارد که اداره تصفیه مکلف است شرایط فروش را با رعایت عرف و عادت و

غبطه بستانکاران و ورشکسته تعیین نماید. اداره می‌تواند پرداخت بها را نقد یا به موعد قرار دهد. موعد هیچ‌گاه نباید از سه ماه تجاوز کند. اموال متوقف به ترتیب مزایده به فروش می‌رسد. فروش بر اساس مزایده چه بسا ممکن است و جوهی را برای امر تصفیه در اختیار مدیر یا اداره تصفیه قرار دهد، لیکن برگزاری مزایده از امکان ادامه فعالیت بنگاه و کارخانه در صورت مشتاق نبودن برنده می‌کاهد. در صورت واگذاری به فرد متخصص دارای سوابق موثر و مرتبط با فعالیت کارخانه ممکن است موجبات ادامه فعالیت و اشتغال را فراهم نمود، ولو اینکه در مزایده رقم کمتری را نسبت به برنده نهایی اعلام کرده باشد. در این روش، سرنوشت تاجر به سرنوشت کارخانه گره زده شده و معمولاً خریداران چنین کارخانه‌ای یکی از بستانکاران می‌باشد که با رقم ناچیزی و با توجه به خلاء قانونی مقررات مزایده، می‌تواند آن را تملک نماید.

### ۱-۳. کاستی‌های حفظ فعالیت کارخانه توسط مدیر تصفیه

مطابق بند سه ماده ۴۴۴ قانون تجارت عضو ناظر، به تقاضای مدیر تصفیه، به او اجازه می‌دهد که اشیایی که برای به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است، در صورتی که توقف آن موجب خسارات ارباب طلب باشد را از توقف خارج نماید. همچنین، با توجه به ماده ۵۰۷ قانون تجارت که اجازه ادامه فعالیت بنگاه را داده است، می‌توان گفت فعالیت بنگاه موکول به چند شرط است: اولاً این که طلبکاران تمایل به ادامه فعالیت بنگاه داشته باشند. ثانیاً، برای ادامه فعالیت و کیل انتخاب نمایند. ثالثاً، در غیر این صورت، عامل مخصوصی انتخاب کنند و بالاخره اینکه طلبکاران می‌توانند این امر را به مدیر تصفیه بسپارند. ماده ۵۰۸ قانون تجارت نیز شرایطی خاص برای ادامه فعالیت توسط وکیل قائل شده است. انعقاد قرارداد وکالت، مشروط به حضور عضو ناظر و موافقت اکثریت عددی طلبکاران دارای سه ربع مطالبات برای ادامه فعالیت بنگاه است؛ اما بر اساس ماده ۱۵ قانون تصفیه امور ورشکستگی اداره تصفیه، اقدام به بستن و مهر و موم نمودن انبارها، مغازه‌ها، کالا و کارخانجات تاجر ورشکسته می‌نماید، مگر اینکه بتواند تحت نظارت خود آنها را اداره نماید.

در مورد راهکارهای قانونی جهت افزایش قدرت مالی کارخانه تحت عنوان تعلیق تعقیبات فردی، یکی از اساتید اظهار می‌دارند: «تعلیق تعقیبات انفرادی، در واقع اثر تجمع طلبکاران در هیات تصفیه است. وقتی بستانکاران در این هیات منظور می‌شوند، موقتاً حق تعقیب انفرادی شخص مدیون را از دست می‌دهند» (همان: ۲۰۳-۲۰۴). در این خصوص نیز اظهار شده است: «محدودیت قلمرو و فقدان ضمانت اجرا از عوامل ناکارآمدی قاعده توقف یا تعلیق تعقیب در حقوق ایران هستند.» (عیسایی تفرشی، شهبازی‌نیا و رمضانی آکردی، ۱۳۹۴: ۶۱). ارتقای سطح مدیریت بنگاه و ابطال معاملات ضرری راهکارهای حمایتی دیگر قانونگذار است.

در این مورد اظهار شده است: «ماده ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت نتیجه‌ی اعمال قواعد مسئولیت مدنی است. مدیران باید مقصر باشند و تقصیر آنها سبب ایجاد ضرر شده باشد.» (ایزنلو و جباری‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۲). ماده ۴۲۳ قانون تجارت مصداق بارز معاملات ضرری تاجر پس از صدور حکم ورشکستگی می‌باشد. در خصوص دوره مشکوک اظهار می‌دارند: «در فرانسه، این دوره مدت شش ماه قبل از صدور حکم در نظر گرفته شده است، ولی در حقوق ایران با توجه به ماده ۴۲۳ ق.ت، دوران مشکوک محدودیتی ندارد.» (عرفانی، ۱۳۹۴: ۷۲). تردیدی نیز در خصوص اینکه مراد از ماده مزبور، معاملات پس از تاریخ توقف یا پس از صدور حکم ورشکستگی می‌باشد، شده است. در این خصوص، استاد دیگری اظهار می‌دارند: «منبع قانونی ما قانون فرانسه است و ماده سابق ۴۴۶ قانون تجارت فرانسه در قسمت ابتدای آن، به تاریخ پرداخت‌ها و نه تاریخ صدور حکم معطوف است.» (صقری، ۱۳۹۶: ۲۷۸). در مورد معاملات ضرری اظهار داشتند: «حکم مندرج در ماده ۴۲۳ قانون تجارت در خصوص بطلان معاملات تاجر بعد از توقف با اصول و مبانی حقوق مدنی از جمله قاعده تسلیط و غیره که بر اساس آنها می‌توان معاملات ذاتاً ضرری را که منوط به اجازه طلبکاران است را غیر نافذ دانست، هماهنگی نداشته و شایسته است که اصلاح گردد.» (روشن و مظفری، ۱۳۸۹: ۸۸). تردیدی نیست که هر چه بیشتر معاملات ضرری موضوع ماده ۴۲۳ قانون تجارت باطل و بلااثر گردد، دارایی‌های تاجر بیشتر می‌گردد، اما اخلاقاً حمایتی از تاجر و کارخانه به عمل نمی‌آید. وجوه حاصله صرفاً در جهت پرداخت مطالبات بستانکاران منظور می‌شود.

در خصوص اهمیت و تمایز ارزش تصفیه و ارزش ادامه فعالیت در حقوق آمریکا، اظهار داشتند: «دو ارزش در آیین ورشکستگی مطرح می‌شود که شامل ارزش تصفیه و ارزش ادامه فعالیت تجاری بدهکار است. ارزش تصفیه مبتنی بر فروش دارایی به صورت جز به جز است و ارزش ادامه فعالیت تجاری بدهکار، بازتاب ارزش اقدام تجاری بدهکار است. در صورتی که ارزش ادامه فعالیت تجاری بیشتر از ارزش تصفیه باشد، ارزش بیشتر باید برای طلبکاران حفظ شود. در صورتی که طلبکاران بیم این را داشته باشند که بدهکار اموال کافی برای تادیه طلب ندارد، برای اجرای نهاد تصفیه ترغیب می‌شوند.» (عیسایی تفرشی، شهبازی‌نیا و رضانی آکردی، ۱۳۹۴: ۶).

دو نظریه در خصوص حقوق ورشکستگی وجود دارد: «یکی از این دیدگاه‌ها تحت عنوان فلسفه سرمایه‌داری یا رویکرد اقتصادی نامیده می‌شود. مطابق این دیدگاه، هدف اصلی حقوق ورشکستگی را فقط در یک هدف واحد می‌توان دید و آن عبارت از افزایش وصولی طلبکاران (یعنی حفظ حقوق و منافع طلبکاران) در سیستم ورشکستگی است. دیدگاه دوم که بوسیله صاحب‌نظران تحت عنوان فلسفه بازار و فعالیت اقتصادی رویکرد سنتی، رویکرد عدالت اجتماعی

نامیده می‌شود، منافع تعدادی بیشتر از گروه‌ها را به جای تنها منافع طلبکاران دنبال می‌کند؛ برای مثال، منافع مستخدمین و کارمندان شرکت، عرضه‌کنندگان، مدیران و حفظ اقتصاد ملی و محلی نیز در کنار طلبکاران دنبال می‌شود» (طجرلو، ۱۳۸۸: ۲۴۷-۲۴۶).

## ۲. مقررات ناکافی حفظ کارخانه در مقررات فراورشکستگی

به منظور امکان ادامه فعالیت کارخانجات و واحدهای تولید بحران‌زده، قانونگذار مبادرت به تصویب برخی نهادهای موازی قبل از ورشکستگی نمود. وجود خلاء قانونی توقف در حقوق ورشکستگی و الزامات اجتماعی و سیاسی ناشی از صدور حکم ورشکستگی، سبب وضع قواعد مزبور گردید. هدف اولیه از مداخلات این نهادها در کارخانجات، پیشگیری از توقف، قبل از مداخله دادگاه در ورشکستگی بوده است. یکی از اساتید در خصوص تمایز توقف و ورشکستگی در حقوق ایران اظهار می‌دارند: «متأسفانه در سال ۱۳۱۱ دادگاه تجارتي منحل و دو آیین فوق به یک آیین تعدیل یافت و تاسیس حقوقی قرارداد ارفاقی هم به دلیل عدم رعایت جنبه پیشگیرانه آن، نسبت به حکم ورشکستگی و تصفیه عملاً نتوانست در اکثر قریب به اتفاق موارد از تصفیه اموال و حذف فعالیت تجارتي جلوگیری نماید» (صقری، ۱۳۹۶: ۵۰۳).

اما عملاً قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانجات، کمیسیون بحران، کارگروه حمایت از تولید، ستاد تسهیل امور و پشتیبانی امور تولیدی و شهرک‌های صنعتی و غیره که در شمار این نهادهای موازی هستند، بنا به دلایل مختلفی از جمله عدم تعریف دقیق از بحران و توقف، عدم تطابق با مقررات ق.ت و سایر دلایل، موفقیتی چندان حاصل نمودند که به مطالعه برخی از آنها می‌پردازیم.

### ۲-۱. هیات حمایت صنایع

این هیات در قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌های کشور مصوب ۱۳۴۳ پیش‌بینی شده است. قانونگذار در مقایسه با قانون تجارت راجع به امور کارخانه و بنگاه تحت امر تاجر، تغییرات جدیدی ایجاد کرده است. اداره امور کارخانه و جلوگیری از تعطیلی آن در دوره توقف و قبل از صدور حکم ورشکستگی از جمله آثار قابل بررسی است.

### ۲-۱-۱. اهداف قانون

هیات حمایت از صنایع به موجب ماده ۲ در موارد توقف از روز صدور حکم توقف که منتهی به تعطیلی کارخانه شود، می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی را به عنوان مدیر کارخانه تعیین نماید. این شخص در طی دوره اداره موقت امین محسوب می‌شود. در مقایسه با وظایف امین، موضوع مقررات بازسازی اظهار شده است: «وظیفه یک امین خلاصه می‌شود در تحقیقات، تصفیه، اقدام

قانونی و مدیریت. تحقیقات یک امین منجر به کشف دارایی‌های مدیون می‌شود. این دارایی‌ها از طریق تصفیه یا طرح دعوی به پول نقد تبدیل می‌شوند. به مراحل جمع‌آوری، نگاهداری و توزیع پول نقد به طلبکاران، مدیریت دارایی‌ها گفته می‌شود» (بخبندر، ۱۹۹۴: ۱۳۵).

مطابق ماده هفت قانون یاد شده، ملاک تحویل کارخانه و اداره آن، صدور اجرائیه در مواردی که وجوه عمومی به شکل تسهیلات تحت هر عنوانی به مجموعه متوقف پرداخت شده باشد، اعلام شده است. در موارد فوق، تشخیص هیات در خصوص لزوم اداره موقت کارخانه و تاسیسات مربوط و اموال متعلق به کارخانه، برای تحویل به مدیر یا مدیران موقت و منتخب کفایت می‌نماید. فلسفه این تاسیس با گذشت بیش از ۳۲ سال پس از تصویب قانون تجارت و ناکارآمدی آن قابل توجه است. با تخصیص وجوه عمومی در کارخانجات و با صدور اجرائیه، از مدیران و سهامداران کارخانه سلب اختیار می‌شود. آمیخته شدن سرمایه خصوصی و عمومی که به قصد ارتقای سطح تولید به کار گرفته شد و کنار گزاردن مدیران کارخانه با صدور اجرائیه، موجبات مداخله هیات و تعیین شخص ثالث برای اداره موقت کارخانه را فراهم می‌آورد. در مقررات بازسازی راجع به توقف عنوان شده است: «مهم‌ترین روش حمایت از بدهکار در ورشکستگی، توقف خودبه‌خودی است که با تکمیل دادخواست آغاز می‌شود و در روابط بین بدهکار و طلبکاران یک توقف را برای زمانی معین مقرر می‌کند... این حمایت نه به طور کامل شامل بدهکار می‌شود و نه اینکه کاملاً بلامنازع و خدشه‌ناپذیر است» (بارنز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶: ۲۹۶-۲۹۷).

تبصره ب ماده ۱۱۲۱ قانون تجارت آمریکا حق انحصاری بدهکار برای ثبت طرح ادامه فعالیت بنگاه را ۱۲۰ روز می‌داند. راجع به ثبت درخواست طرح اظهار شده است: «اگر این درخواست توسط بدهکار صورت پذیرد، یک درخواست ارادی خوانده می‌شود. در خواستی که توسط طلبکاران تکمیل می‌شود، درخواست اجباری نامیده می‌شود» (بخبندر، ۱۹۹۴: ۱۳۵). برخلاف قانون حمایت صنعتی در مقررات بازسازی، مالک کنونی کارخانه از یک حق تقدم مزبور برای ارائه طرح نسبت به طلبکاران برخوردار است.

## ۲-۱-۲. افزایش سرمایه

مبنای مداخله دولت برای اداره کارخانه که بیم تعطیلی آن می‌رود، استفاده از تسهیلات دریافت شده است. در واقع، به منظور جلوگیری از به هدر رفتن سرمایه عمومی توسط مالکین فعلی، چاره‌ای جز مداخله در امور آن وجود ندارد. موضوع سلب مداخله تاجر ورشکسته در اداره اموال و تعیین اداره یا مدیر تصفیه، با حکم دادگاه صورت می‌گیرد، لیکن در امر تصفیه به دلیل فقدان نظارت تخصصی، عموماً ادامه فعالیت بنگاه با شکست مواجه می‌شود؛ اما در قانون حمایت با نصب

<sup>1</sup>. Barnes

اشخاص ثالث و نظارت بر اداره موقت، سنجش نقاط ضعف و قوت کارخانه در مقایسه با امر بازسازی، به شکل اصولی صورت می‌پذیرد. «تفاوت بین تصفیه و بازسازی این است که اولی متضمن فروش واقعی تمامی داراییهای یک تاجر به شخص ثالث است و دومی متضمن یک برنامه نظری است» (بیرد<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶: ۱۳۹).

ماده ۶ قانون حمایت اشعار می‌دارد که کالای تولیدی و یا درآمد نقدی کارخانه باید به دو صورت استفاده شود: اول، برای پرداخت مطالبات معوق کارکنان و کارگران کارخانه بکار گرفته شود. دوم، در خصوص آن دسته از قراردادهایی که موضوع آنها فروش مواد اولیه یا محصول موجود در کارخانجات می‌باشد که ثمن مربوطه پرداخت نگردیده است. این ماده موید حمایت اخلاقی از کارگران و برقراری خط تولید با التزام به پرداخت با اولویت مطالبات تامین‌کننده مواد اولیه، برخلاف نگرش سنتی حقوق ورشکستگی است. در حقوق ایالات متحده آمریکا، «پذیرش یک طرح توسط گروهی از طلبکاران منوط به پذیرش آن توسط طلبکارانی است که حداقل دو سوم منافع متعلق به آنها بوده و بیش از نصف افراد دارنده چنین منفعتی را تشکیل دهند... طرح تا قبل از تایید دادگاه برای طرفین الزام‌آور نبوده و تایید آن نیز منوط به تحقق کلیه شرایط مقرر در قانون ورشکستگی است. شروط ذیل در زمره مهم‌ترین شروط قرار دارند:

۱- حسن نیت در مطرح نمودن طرح

۲- تایید طرح از نظر دادگاه باید امکان‌پذیر بوده و منجر به انحلال تجارت بدهکار یا دشوارتر نمودن بازسازی مالی وی نگردد...» (مان و رابرتز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲: ۸۴۱).

موضوع عدم امکان ادامه فعالیت کارخانه، بنا به دلایل فنی و یا اقتصادی، مستعمل بودن خط تولید یا ضرورت تکمیل خط تولید و غیره از جمله جهاتی است که هیات حمایت، ظرف مدت شش ماه از تاریخ شروع به اداره موقت تشخیص می‌دهد.

## ۲-۱-۳. اداره موقت کارخانه و اشکالات آن

انقضای دوره موقت در مورد توقف، پس از تعیین تکلیف قطعی مالکیت کارخانه در جریان عملیات تصفیه یا پس از پایان و ختم تصفیه صورت می‌پذیرد. اداره موقت موضوع قانون حمایت ممکن است در چند دوره و به دلایل مختلف قانونی صورت پذیرد. لیکن، امر بازسازی یک بار ولی به اشکال مختلف با مدیریت مالک فعلی و در صورت عدم توفیق با مدیریت غیر صورت می‌پذیرد. در خصوص اداره موقت اظهار شده است: «اداره موقت یکی از آیین‌های ورشکستگی است که در صورت توقف یا در شرف توقف بودن بدهکار، به منظور افزایش ارزش دارایی اموال موضوع ورشکستگی، در مقایسه با تصفیه سنتی، در راستای منافع طلبکاران یا به منظور حفظ

<sup>1</sup> . Baird

<sup>2</sup> . Mann & Roberts

تجارت یا حفظ کارکنان تجارت یا به منظور تحقق یکی دیگر از اهداف بازسازی تحت مدیریت شخص ثالثی غیر از بدهکار و قبل از تحقق تصفیه نهایی هدایت می‌شود و ممکن است تحت نظارت دادگاه یا مقامات اجرایی یا طلبکاران یا ترکیبی از آن‌ها باشد.» (عیسای تفرشی، شهبازی‌نیا و ورمزیار، ۱۳۸۸: ۱۸۵).

اجرای طرح ادامه فعالیت ممکن است مخاطرات غیرقابل محاسبه را نیز به دنبال آورد؛ در این مورد گفته شده است: «یک طرح بازسازی هم نمی‌تواند هر احتمالی را در نظر بگیرد و اجرای یک طرح ممکن است مشکلات غیرمترقبه بنگاه را افشا کند. به علاوه، شرایط غیرقابل پیش‌بینی که روی تجارت تاثیر محدود یا کاملی می‌گذارد، می‌تواند به نحو چشمگیری روی ارزش سهام تاثیر بگذارد.» (چستر<sup>۱</sup>، ۱۹۵۲: ۲۵۸).

ماده ۲۴ آیین‌نامه قانون حمایت، هیات را موظف کرده است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ شروع اداره موقت کارخانه، گزارش جامعی از وضع اقتصادی، مالی، فنی و امور اجتماعی کارخانه به وزیر اقتصاد بدهد. در صورت عدم امکان ادامه فعالیت کارخانه، هیات جز قطع حمایت، طرحی برای حل مشکل کارخانه نداشته است. در مورد نظارت بر طرح بازسازی در حقوق آمریکا اظهار داشتند: «نظارت بر اجرای این طرح یا قرارداد جدید بر عهده دادگاه است. این نظارت تا زمانی که مفاد طرح بازسازی به طور کامل اجرا شود و حکم نهایی توسط دادگاه صادر گردد، ادامه خواهد داشت. از تصدیق طرح بازسازی تا صدور حکم نهایی باید اقداماتی توسط بدهکار به عمل آید که نظارت و تایید آن اقدامات نیز در صلاحیت دادگاه است. از جمله این اقدامات، تقدیم گزارش کاری یا عملیاتی است... این گزارش‌ها نقش مهمی را در بازسازی ایفا می‌کنند. از یک طرف، گزارش پیشرفت کار بدهکار متصرف است و از طرفی دیگر، وسیله کسب اطلاع برای طلبکاران و اداره تصفیه آمریکا از باب حصول سود یا ورود زیان در طی مدت بازسازی است.» (قنوتی و کهنمویی، ۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۳۰). در خصوص یکی از آثار مثبت عملکرد هیات حمایت از صنایع اظهار می‌دارند: «بدین ترتیب می‌توان گفت که عملکرد هیئت در مواردی که مکلف به اعطای کمک به کارخانه‌ها با هدف خارج نمودن آن‌ها از حالت تعطیلی است، به طور غیرمستقیم به پیشگیری از بروز حالت توقف نسبت به مالکین آن‌ها کمک می‌کند.» (کاویانی، ۱۳۹۵: ۵۹).

مشابهت نحوه نظارت بر اداره موقت کارخانه و نحوه نظارت بر اجرای طرح مصوب و عدم توفیق یا تغییر نحوه اداره در قانون حمایت صنعتی با مقررات بازسازی قابل توجه است. مواد ۱۲ الی ۱۵ از باب یازدهم قانون تجارت فرانسه سال ۱۹۸۵ مقرر می‌دارد: «دادگاه تجارتي پس از دعوت و استماع اظهارات کلیه اشخاصی که راجع به مشکلات شرکت یا موسسه تجارتي مورد نظر اطلاعاتی دارند و در صورت اقتضا ارجاع امر به کارشناسی، نسبت به اجرای آیین بازسازی

<sup>1</sup>. Chester

تصمیم می‌گیرد. متعاقب تصمیم راجع به بازسازی و پس از جمع‌آوری اطلاعات اولیه، یک دوره مراقبتی زیر نظر واحد مراقبت به منظور تهیه بیان اقتصادی و اشتغال و پیشنهادات لازم در جهت ادامه فعالیت یا انتقال مالکیت بنگاه انجام می‌شود. واحد بازسازی پیش از اتمام دوره مراقبتی طرح بازسازی را تهیه و به تایید دادگاه تجارتی می‌رساند.» در خصوص اداره موقت اظهار شده است: «تصفیه باید به گونه‌ای باشد که ماده ۵ قانون حمایت صنعتی رعایت گردد و موجب تعطیلی کارخانه در دوره اداره موقت نگردد. لذا، به نظر می‌رسد کارخانه باید به صورت یکپارچه و به عنوان واحد فعال فروخته شود... تصفیه به صورت فوق، تصفیه‌ای خاص خواهد بود که در عمل نوعاً باعث افزایش دارایی بدهکار ورشکسته می‌شود و به نفع بستانکاران به خصوص بستانکاران بدون وثیقه است و در واقع، یکی از اهداف بازسازی را در پی خواهد داشت.» (عیسایی تفرشی، شهبازی‌نیا و ورمزیار، ۱۳۸۸: ۱۹۸).

همچنین، در خصوص تمایز تعیین مدیران موقت اوایل انقلاب با قانون حمایت صنعتی اظهار می‌دارند: «اتخاذ تصمیم در خصوص لزوم اداره موقت واحدهای مشمول لایحه قانونی تعیین مدیر یا مدیران موقت... (۱۳۵۸) با وزارتخانه، موسسه و یا شرکت دولتی ذیربط است، در حالی که این امر در مورد کارخانه‌های مشمول قانون حمایت صنعتی (۱۳۴۴) به عهده هیات حمایت از صنایع، که شخصیت حقوقی دارد، است مگر در موارد استثنا شده» (عیسایی تفرشی، ۱۳۹۵: ۴۱۱).

## ۲-۲. کمیسیون بحران و کاستی‌های آن

تصویب نامه شماره ۳/۱۹۵۵/ت/۲۰۱۵۳ ه در مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۴۷ هیات وزیران که به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی وضع گردید، در بند الف به مشکلات واحدهای تولیدی می‌پردازد که در پرداخت حقوق و مزایای کارکنان، به مدت چهار ماه تاخیر داشته باشد و بابت دیون بانکی، بدهی مالیاتی و سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده آنها، اجرائیه صادر شده است. برگزاری محدود کمیسیون و عدم امکان پوشش واحدهای تولیدی بحران‌زده و فقدان تعهد بانک‌ها و موسسات اعتباری برای رفع مشکلات اعتباری کارخانجات از جمله دلایل عدم موفقیت نهاد مزبور است. این راهکارها در مقایسه با نهاد بازسازی نمی‌تواند کافی و موثر برای خروج از بحران کارخانه باشد. کتاب Black's در تعریف بازسازی می‌گوید: «در مبحث حقوق شرکت‌ها، منظور از بازسازی، تنظیم مجدد دیون شرکت و جایگزین کردن آن با اوراق قرضه و بهادار جدید است و غالباً در شرف وقوع ورشکستگی یک شرکت رخ می‌دهد؛ تغییری اساسی در ساختار مالی یک شرکت که منجر به تغییر در حقوق، منافع و مالکیت بسیاری از اوراق سهام می‌گردد. این امر معمولاً با ادغام یا انعقاد موافقت‌نامه میان طلبکاران اصلی جهت تعویق ورشکستگی صورت می‌گیرد. سازماندهی مجدد یک شرکت متشکل از چیدن طرح بازسازی توسط امین، ثبت آن نزد دادگاه و

متعاقباً پس از استماع، احراز عملی بودن یا نبودن توسط دادگاه است. احراز عملی شدن طرح، تایید آن از سوی دادگاه را در پی دارد.»

همچنین، بیان شده است: «بازسازی عبارت است از آیینی که به موجب آن قبل از شمول مقررات ورشکستگی، بنگاه اقتصادی بحران‌زده بر اساس طرح مشخص و در چهارچوب جدید به فعالیت ادامه می‌دهد و تدریجاً دیون مربوط به بنگاه را پرداخت می‌نماید (نورانی آزاد، ۱۳۸۸: ۷). در مورد تعیین امین در حقوق آمریکا اظهار شده است: «تصرف و اداره اموال توسط بدهکار باقی می‌ماند مگر اینکه دادگاه در حکم خود یک نفر را به عنوان امین تعیین کند..... اصلاحات سال ۱۹۹۴ اجازه می‌دهد که طلبکاران امین را انتخاب کنند..... پس از تایید طرح، مفاد آن بر اجرای تعهدات بدهکار حاکم است. طرح، بدهکار و هر طلبکاری دارنده وثیقه و یا شرکای عمومی بدهکار را ملزم می‌کند.

پس از ثبت حکم نهایی دادگاه، دیگر بدهکار مانند فردی نیست که از تمام بدهی‌ها و مسئولیت‌هایی که ناشی از قبل تایید طرح بوده، بری الذمه شود؛ مگر تحت عنوان دیگری که طرح مقرر کند یا حکم دادگاه آن را تایید نماید. شرکا و شرکت‌ها ممکن است تحت پوشش بخش ۱۱ قانون ورشکستگی بری الذمه شوند، مگر اینکه طرح به منظور تصفیه تمامی اموال تجاری و خاتمه دادن به آن نوع از فعالیت تجاری تصویب شده باشد» (مان و رابرتز، ۱۹۹۲: ۷۷۸-۷۷۹).

در یک تحلیل نهایی می‌توان گفت وضع مقررات مربوط به نهادهای فوق‌الذکر، حکایت از ناکافی و غیر موثر بودن مقررات قانون تجارت در امر ورشکستگی را دارد. اگرچه مقررات مربوط به نهادهای فراورشکستگی در بعضی موارد قابلیت انطباق جزئی و هم‌سویی با مقررات بازسازی دارد، ولی به دلیل موقتی بودن و عدم تجانس با قانون تجارت و به دلیل فقدان جامعیت، قابلیت رفع بحران‌های بنگاه تجاری و کارخانجات را ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

حقوق تجارت ما مبتنی بر نظام تک‌آیینی ورشکستگی می‌باشد. تمامی اقداماتی که برای تداوم فعالیت تاجر لازم است، پس از صدور حکم ورشکستگی ممکن می‌شود. قرارداد ارفاقی در حقوق ایران صرف نظر از امکان انعقاد دیر هنگام آن، بنا به دلایل فقدان جنبه پیشگیرانه نسبت به حکم ورشکستگی از موفقیت چشمگیری برخوردار نبوده است. وحدت سرنوشت فرد و بنگاه تجاری در حقوق ایران، معمولاً نجات بنگاه‌های اقتصادی را تابع وضعیت محتوم تاجر مدیون می‌سازد و حمایت اخلاقی از تاجر، کارگران و بقای کارخانه را معمول نمی‌دارد. ادامه فعالیت بنگاه توسط مدیر تصفیه و اختیار وکیل یا عامل مخصوص از جمله روش‌های ادامه فعالیت است که به منظور تحقق موارد اخیر، محتاج به لزوم تحقق اکثریت عددی طلبکاران دارای سه ربع کل مطالبات است

و در عمل، موفقیت آمیز نبوده است. در خصوص ادامه فعالیت توسط اداره یا مدیران تصفیه از جمله موانع عملی، فقدان تخصص فنی و اداری آنان است. ناکارآمدی قانون تجارت موجبات وضع مقررات فراورشکستگی تحت عنوان اداره موقت کارخانه توسط مدیران منصوب به بهانه حمایت از وجوه عمومی را فراهم ساخت. قانون حمایت صنعتی اولین گام برای تغییر نظام حقوق ورشکستگی طلبکارمحور، به منظور جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها و تداوم تولید و اشتغال کارگران بوده است. پیش‌بینی کمیسیون بحران و سایر مقررات فراورشکستگی در جهت تداوم این نوع قانونگذاری بوده است. لیکن، در مقایسه با مقررات بازسازی می‌توان به مشابهت‌هایی ناکافی با آنها پی برد. تدوین این مقررات نمی‌تواند خلاء ناشی از فقدان مقررات جامع حقوق تجارت معاصر بر اساس نهاد بازسازی یا قراردادهای ارفاقی پیشگیرانه را جبران سازد. تداوم ادامه فعالیت بنگاه‌های تجاری از طریق ادامه فعالیت توسط مدیون یا واگذاری به غیر با ارائه طرح، ایجاد اشتغال و جلوگیری از انحلال زودهنگام و حفظ سرمایه‌های محلی و ملی می‌تواند از جمله آثار اجتناب‌ناپذیر این تحول در فرایند قانونگذاری محسوب گردد.

### پیشنهادها

با عنایت به اینکه مقررات قانون تجارت در کشورهای پیشرفته، بر اساس مناسبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی تغییرات عمده‌ای پیدا کرده است و این تحولات حتی در نصاب قراردادهای ارفاقی برای امکان ادامه فعالیت بنگاه پیش‌بینی شده است. همچنین، درج مقررات مربوط به نهاد بازسازی در قوانین این کشورها موجب گردیده که به صرف توقف در پرداخت دیون، بنگاه اقتصادی که سرمایه آن متعلق به جامعه می‌باشد، به دلیل تک‌آیینی بودن مقررات ورشکستگی دچار انحلال نگردیده و از طریق ادامه فعالیت بنگاه از طریق مدیون یا در صورت فاقد شرایط بودن مدیون، از طرق واگذاری به غیر ادامه فعالیت بنگاه محقق گردد و به این ترتیب، با تنظیم برنامه‌ای که به تصویب کمیته بستانکاران و تصدیق دادگاه می‌رسد، موجبات پرداخت مطالبات طلبکاران و ادامه فعالیت کارگران بنگاه و تداوم قراردادهای منعقد فی‌مابین بنگاه و اشخاص ثالث می‌گردد. در برخی از کشورها، از انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه، برای حل و فصل بحران‌های کارخانجات استفاده می‌گردد. به نظر می‌رسد لایحه اصلاحی قانون تجارت سال ۴۸۳۱ زمینه مناسبی برای تدوین مقررات جامع قانون تجارت در حوزه بازسازی و ورشکستگی بوده است که با بررسی مجدد آن می‌توان نسبت به رفع نقایص قانون تجارت کنونی اهتمام ورزید.

### تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

## منابع

- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۷). **ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته**. تهران: سمت.
- ایزانلو، محسن و جباری‌زاده، روزبه (۱۳۹۰). **مسئولیت مدنی و ورشکستگی**. حقوق تطبیقی. (۱)۲: ۱-۲۵.
- روشن، محمد و مظفری، محسن (۱۳۸۷). **بررسی آثار صدور حکم ورشکستگی و رفع آن**. حقوق. ۴۰(۱۰۱): ۸۹-۷۱.
- سراج زاده، بهرننگ (۱۳۹۴). **توقف و ورشکستگی اشخاص حقوقی در ایران و آمریکا**. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- صقری، محمد (۱۳۹۶). **حقوق بازرگانی ورشکستگی**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طجرلو، رضا (۱۳۸۹). **بررسی مبانی نظری حقوق ورشکستگی در سیستم حقوقی آمریکا و انگلستان**. حقوق. ۴۰(۲): ۲۵۷-۲۳۹.
- عرفانی، محمود (۱۳۹۴). **حقوق تجارت ورشکستگی و تصفیه اموال**. تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- عیسایی تفرشی، محمد؛ شهبازی‌نیا، مرتضی و رمزیار، محمد (۱۳۸۸). **اداره موقت واحدهای تجاری ورشکسته در حقوق ایران و انگلیس**. پژوهش‌های حقوق تطبیقی. ۱۳(۶۳): ۱۷۸-۲۰۱.
- عیسایی تفرشی، محمد؛ شهبازی‌نیا، مرتضی و رمضانی آکردی، حبیب (۱۳۹۴). **قاعده تعلیق یا توقف خودبه‌خودی تعقیب ورشکسته (مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا و ایران)**. پژوهش حقوق خصوصی. ۴(۱۲): ۸۷-۱۰۷.
- عیسایی تفرشی، محمد (۱۳۹۵). **مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری**. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- قنواتی، جلیل و کهنمویی، اسماعیل (۱۳۸۹). **بررسی نهاد بازسازی در قانون ایالات متحده آمریکا و مقایسه آن با قرارداد ارفاقی**. پژوهش‌های حقوق تطبیقی. ۱۴(۴): ۱۴۳-۱۱۵.
- کاویانی، کورش (۱۳۹۳). **حقوق ورشکستگی**. تهران: میزان.
- کاویانی، کوروش و جاوید، فرزانه (۱۳۸۹). **بازسازی وضعیت ورشکسته در حقوق ایران و قواعد راهنمایی حقوق ورشکستگی آنستیرال**. دانش و پژوهش حقوقی. ۳(۱): ۹۰-۶۳.
- نورانی آزاد، سمیه (۱۳۸۸). **بازسازی بنگاه اقتصادی در نظام حقوقی ایران**. کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی.
- Baird, Douglas. G. (1986). **The Uneasy Case for Corporate Reorganizations**. Journal of Legal study, Volume XV.
- Barnes, Timothy, Arnold, (1996). **The Plain Meaning of the Automatic Stay in Bankruptcy: The Void/Voidable Distinction Revisited**. Ohio State Law Journal. Vol 57. No1.
- Black, Henry, Campbell (1891). **Black's Law Dictionary**. Abridged edition.
- Buchbinder David.L., (1994). **Basic Bankruptcy Law For Paralegals**. Aspen Law and Business.



- Luby, Chester .J (1952). **Post-Confirmation Modifications in a Chapter X Reorganization Plan.** The Yale Law Journal, vol61. No2.
- Mann, Richard.A & Roberts, Barry. (1992). **Business Law and the Legal Environment.** Boston. Cengage Learning.